

## تحلیل رمان در افق گفتمانی آن

حسینعلی قبادی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

سید علی دسپ

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده:

تحلیل گفتمان (Discourse Analysis)، از روش‌های نقد ادبی است که از اندیشه‌های زبان‌شناسان، نشانه‌شناسان، محققان هرمنوتیک و آرای میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۹۲) سرچشمه گرفته است. این شیوه از تحلیل در رویکردهای نقد ادبی، با ساختارگرایی، فرمالیسم، هرمنوتیک بیشتر پیوند دارد، ولی در روش تحلیلی خود، بر خلاف رویکردهای یادشده، هر دو جنبه صورت و معنای متن را در نظر دارد و از این‌رو، رویکردی جامع در تحلیل متن است. پژوهش حاضر کوششی در معرفی روش تحلیل گفتمان و شاخه مهم‌تر آن، تحلیل گفتمان انتقادی، به عنوان رویکردی جامع در تحلیل رمان فارسی است و سعی بر آن است در پایان با ارائه نمونه‌هایی از تحلیل رمان فارسی با این دیدگاه، ضرورت به کارگیری این رویکرد را در تحلیل رمان فارسی آشکار سازد. در این پژوهش این نتیجه حاصل شد که رمان به دلیل حقیقت‌مانندی و توجه به دگرگونی‌ها و ترسیم حقایق، نگرش نویسنده را در بردارد؛ زیرا رمان جدی‌ترین قالب‌ها از جهت درآمیختگی با ابعاد اجتماعی و فرهنگی، به شمار می‌رود و اهمیت آن در عرصه ادبیات آنگاه بیشتر آشکار می‌شود که جوامع دچار دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی شوند. لذا رمان بیش از هر قالب ادبی توان توصیف و ترسیم این تحولات را دارد.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، تحلیل رمان، بافت متن، بافت موقعیت.

## ۱- مقدمه:

آثار هنری از جامعه و زمانه خود، از اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه و زمانه خود تأثیری چندان تعیین کننده می‌پذیرند که در مجموع، هر یک به نوعی گرایش‌های عام فرهنگی و اجتماعی آن جامعه را بازتاب می‌دهد. از نخستین دوره شکل‌گیری رمان فارسی، نویسندگان به تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توجه داشتند و خلق رمان فارسی هم بر تحولات اجتماعی تأثیر گذار بود و هم متأثر از تحولات موجود بود. شاهد مدعای تأثیر و تأثیر بین رمان فارسی و واقعیت اجتماعی، انقلاب مشروطه و رمان سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ (سه جلد سال‌های ۱۲۷۴-۱۲۸۵ و ۱۲۸۹) است. انقلاب مشروطه، یکی از انقلاب‌هایی است که ادبیات در سمت و سو دادن به حرکت‌های مردمی آن، نقشی مهم داشت. در میان ادبیات آن دوره، آنچه بیش از همه به چشم می‌آید، کتاب سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ است. این اثر داستان جوانی سرشار از حب وطن است که از ویرانی مملکت و از رجال فاسد و از عقب ماندگی و جهل مردم رنج می‌برد و از تاخت و تاز بیگانه در آن سرزمین به فریاد می‌آید و نماینده نسلی است که ملت را به انقلاب فرامی‌خواند و زمانی که ملت آمادگی خود را برای انقلاب اعلام می‌دارد، در حقیقت وظیفه او نیز به اصرار رسیده است. فضای آکنده از شور و شوق ملی و حوادث و رخدادهای این اثر، در حقیقت بهانه‌ای است تا نویسنده به این شیوه، ناهنجاری‌ها و زشتی‌های محیط اداری و اجتماعی خود را بیان کند.

سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ، در زمانی منتشر شد که جامعه ایرانی بیش از هر موقع به آن نیاز دارد و زمانی در دست مردم قرار می‌گیرد که خود را برای یک انقلاب آماده می‌سازند. در واقع این اثر، نتیجه واقع‌گرایانه زندگی مردم ایران، میهن‌پرستی عمیق و انتقاد از همه جوانب زندگی جامعه ایرانی است. این اثر از لحاظ گفتمانی در تقابل با حکومت عقب‌مانده قاجار بود و نوعی روحیه مبارزه و تهییج کننده در مردم ایجاد می‌کرد. کسروی در ارزش این رمان می‌گوید: «ارج سیاحت‌نامه را کسانی می‌دانند که آن روزها خوانده‌اند و تکانی را که در خواننده پدید می‌آورد به یاد دارند... انبوه ایرانیان که در آن روز به آلودگی‌ها و بدی‌ها خو گرفته بودند، و جز از زندگانی بد خود به زندگانی دیگرگمان نمی‌بردند، از خواندن این کتاب تو گفتمانی از خواب بیدار می‌شدند و تکان سخت می‌خوردند، بسیار کسان را می‌توان پیدا کرد که از خواندن این کتاب بیدار شده و برای کوشیدن به نیکی کشور آماده گردیده، و به کوشندگان دیگر پیوسته‌اند» (کسروی، ۱۳۵۹:

انتشار این کتاب، خیلی سریع با استقبال عام و خاص روبرو شد؛ به طوری که مهم‌ترین کتاب برای قرائت در محافل مشروطه‌طلب گشت و کمتر مشروطه‌خواهی را می‌توان یافت که آن‌را خوانده باشد و تحت تأثیر آن قرار نگرفته باشد. (فروغی، ۱۳۸۴: ۱۵۰).

پر واضح است که هر تحولی در نهادهای یک کشور، بر بخش‌های فرهنگی و ادبی آن کشور بیشتر اثر می‌گذارد. همان‌گونه منتقدان ادبی معتقدند: «اثر ادبی پیش از هر چیز در سنت زبانی و ادبی جای می‌گیرد و سنت زبانی و ادبی نیز به نوبه خود محاط در اقلیم فرهنگ عمومی است و با اوضاع عینی اجتماعی، و سیاسی و اقتصادی، ارتباطش با واسطه‌تر است؛ البته تمام قلمرو فعالیت‌های بشری با یکدیگر در ارتباطند. در نهایت امر می‌توان بین وجوه تولید و ادبیات نوعی رابطه برقرار کرد.» (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۱۱۳).

این دیدگاه، ضرورت توجه به بافت متن و بافت موقعیت در رمان را نمایان می‌کند، و بر توجه هر چه بیشتر به این دوجنبه در تحلیل رمان می‌افزاید.

اگرچه در زمینه تحلیل رمان فارسی محققان و منتقدان، پژوهش‌هایی ارزشمند درباره عناصر داستان، شگردهای داستان‌پردازی، و گاه نگاه تاریخی و اجتماعی به رمان فارسی انجام داده‌اند، پژوهشی که به تحلیل بافت متن و موقعیت و تأثیر این دوبافت بر هم در شکل‌گیری رمان فارسی پرداخته باشد، صورت نگرفته است. نورمن فرکلایف نیز معتقد است که بازنمایی‌های ایدئولوژیک به دلیل طبیعی بودنشان بدیهی فرض شده‌اند و در تحلیل کلام توصیفی غالب در دوره اخیر آن‌ها را نادیده گرفته‌اند (فرکلایف، ۱۹۹۵). پژوهش حاضر، کوششی در این چهارچوب است و می‌تواند آغازی برای کشف جنبه‌های پنهان آثار داستانی فارسی باشد و انجام این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد.

## ۲- بیان مسأله:

نظریاتی گوناگون در بررسی و تحلیل متون ادبی و ارتباط آن، با عوامل اجتماعی و فرهنگی به ظهور و بروز رسیده و رویکردهای عمده را در نقد ادبی پدید آورده‌اند. رویکردهای تحلیل متن به دو روش تحلیل صورت و معنای متن، متون را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. از جمله روش‌هایی که به صورت متن توجه دارند، می‌توان نظریه نقد فرمالیستی، ساختارگرایی و نقد نو را نام برد. روش‌های نقد هرمنوتیکی و پساساختارگرایی هر کدام در کشف معنای متن، نظریاتی را ارائه کرده‌اند. یکی از رویکردهای موثر در تحلیل متن‌های ادبی، ظهور شیوه تحلیل گفتمان و شاخه برجسته آن، تحلیل گفتمان انتقادی است.

صاحب‌نظران این رهیافت در حوزه نقد ادبی برآنند که در تحلیل متن‌های ادبی افزون بر جنبه‌های صوری و واژگانی، عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نقش دارند.

در تحلیل گفتمان بر خلاف تحلیل‌های سنتی زبانشناسان تحلیل متن، دیگر صرفاً با عناصر لغوی تشکیل دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا یعنی زمینه متن یا همبافت، سروکار نداریم؛ بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره توجه داریم (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸ مقدمه گردآورنده).

پیروان این رویکرد، ادبیات را سرشار از اظهارات فراواقع می‌دانند که حقیقت در پشت آن‌ها نهفته است و این اثر ادبی است که با انعکاس نظام‌های رفتاری و اجتماعی سند تاریخی به شمار می‌آید و می‌توان آن را تاریخ فعال به شمار آورد. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۳۱-۳).

هر متنی در شرایط ویژه و با درجاتی متفاوت از انتخاب و در یک نسبتی از قدرت، تولید می‌شود و با همین درجات متفاوت نیز در دسترس خواننده قرار می‌گیرد و به عبارتی دیگر زبان ابزار مهمی برای برقراری و حفظ روابط و دیدگاه‌های اجتماعی-سیاسی است. هیچ متنی را نمی‌توان یافت که عاری از دیدگاه‌های شخصی نویسنده و ... باشد، همچنانکه واقعیت اجتماعی ناب وجود ندارد، گفتمان خستی و بی‌طرف نیز وجود ندارد؛ بلکه ما با گفتمانها یا متنهای وابسته به شخص خاص، جناح خاص، ایدئولوژی خاص و فرهنگ خاص و ... مواجه هستیم. (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۵۰).

در تجزیه و تحلیل متون آنچه متن‌ها را شکل می‌دهد، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های حاکم بر آنهاست و هیچ متنی وجود ندارد که خبری محض را به مردم ارائه نماید؛ بلکه همگی جهت‌دار و دارای بار ایدئولوژیکی و تفسیری هستند (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۸۳).

ادبیات و رمان به دلیل حقیقت‌مانندی و توجه به دگرگونی‌ها و ترسیم حقایق، نگرش نویسنده را در بردارد؛ زیرا رمان جدی‌ترین قالب‌ها از جهت درآمیختگی با ابعاد اجتماعی و فرهنگی، به شمار می‌رود و این به چند دلیل است زیرا رمان، اولاً بیش از سایر انواع و قالب‌های ادبی با مسایل فرهنگی و اجتماعی و تحولات سیاسی پیوند می‌خورد و ثانیاً در تعامل با وقایع و مسائل فرهنگی و اجتماعی و سیاسی، بسیار ماندگارتر از سایر انواع و قالب‌ها در ذهن و زبان جامعه اثر می‌گذارد. تأثیر رمان‌های بزرگ جهان چون بینویان ویکتور هوگو و مادر ماکسیم گورکی و دیگران در عهد جدید در جهان به حدی است که هیچ شعری را یاری برابری با آن نیست، به مین دلیل می‌توانیم ادعا کنیم، ظرفیت رمان تا حدی است که بتوان رمان‌ها را در

یک نگاه عمومی، ظرف گفتمان زمان دانست؛ چراکه درونمایه‌های رمان مانند سخنان گذرنده‌ای از ذهن جامه عبور نخواهد کرد؛ بلکه در تکون هویت اجتماعی اثر خواهند گذاشت.

از سویی دیگر، ظرفیت ساختاری پیچیده در رمان به حدی است که بیش از هر قالب و انواع دیگر ادبی، می‌تواند محاکات کند و در واقع مسائل و واقعیت‌های جامعه را بازآفرینی و بازسازی کند. ظرفیت ادبی در رمان، به رغم آنکه باید در پردازش دیالوگ‌ها، اصل تناسب و اقتضای شخصیت‌ها، کاملاً رعایت شود، و به دلیل این التزام، حتی گاه از زبان عوام و محاوره سخن بگویند، در مجموع نثری فاخر، سبکی عالی و حماسی و متعالی است و باید نمونه‌هایی از نثر استاندارد معیار به حساب آید. با این تمهیدات، ژرف‌کاوی و ژرف‌نگری و تحلیل علمی رمان‌ها یکی از بهترین اسناد بررسی شناخت واقعی هویت جامعه و ماهیت تحول و تطور آن است، منتهی این کلیتی است که باید با توجه به متن و موقعیتی که متن در تعامل با آن شکل گرفته است، دقیقاً شناخته و تبیین گردد. باید سهم هر یک از رویکردها و گفتمان‌های اجتماعی در کنار انواع گرایش‌های هنری و لطافت‌های ادبی در متن رمان، مذاقه و شناسایی و تعریف و تبیین و تحلیل شود و این ادعا و مسأله این پژوهش است.

### ۳- روش پژوهش:

روش کلان تحقیق توصیفی-تحلیلی است که در تحلیل‌ها از روش تحلیل‌گفتمان استفاده خواهد شد. این کار با ابزار مطالعه کتابخانه‌ای و با استفاده از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و مصاحبه‌های انجام شده صورت می‌گیرد.

### ۴- تعریف مفاهیم:

#### ۴-۱- گفتمان:

گفتمان معادل واژه فرانسوی (discourse، اصطلاحی زبان‌شناسی است که به سرعت وارد علوم‌انسانی شد و کاربردی وسیع یافت. اولین بار زلیگ‌هریس این اصطلاح را به کاربرد (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲). جی‌ای. کادن در فرهنگ اصطلاحات ادبی، گفتمان را در اطلاق به مباحث بسیار عالمانه و دقیق گفتاری یا نوشتاری درباره یک موضوع فلسفی، ادبی، سیاسی، اجتماعی، دینی، فرهنگی و هنری به کار می‌برد. (مک‌دائل دایان، ۱۳۸۰: ۲۶). گفتمان در مفهوم سنتی-فلسفی آن به مفهوم دلیل‌آوری و بازتاب روشمندان و کنترل شده گفتاری و یا نوشتاری است. همچنین گفتمان را مراد کلامی، بده بستانی بین‌گوینده و شنونده، باز نمود یک

صدا در دل یک متن وتلازم گفته با کارکردهای اجتماعی و معنایی دانسته‌اند (میلز، ۱۳۸۲: ۱۰). به عبارت دیگر گفتمان عبارت از زبان به هنگام کاربرد به منظور برقراری ارتباط است. (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۲۶). به طور کلی اصطلاحی عام است برای نمونه‌های کاربردی زبان، یعنی زبانی که در اثر برقراری ارتباط تولید شده است و بر خلاف دستور زبان که با عبارتها و جمله‌ها سر و کار دارد، گفتمان با واحدهای زبانی بزرگتر چون پاراگراف، مصاحبه، مکالمه و متن سر و کار دارد (همان).

شرط اصلی گفتمان، گفتگو یا همه پرسه است. هر نوع گفتار، کلام و نوشتار، جریانی اجتماعی محسوب می‌شود. گفتمان‌ها برحسب زمان و مکان متفاوت هستند (مک دانل، ۱۳۸۰: ۵۵)؛ مثلاً طرز صحبت کردن دو دانشجوی هم‌رشته و هم‌کلاس با هم در دانشگاه با بیرون از دانشگاه متفاوت است. تعاریفی گوناگون از گفتمان با الفاظ متفاوت ارائه شده است که تاحدی زیاد با هم مشترکند. نقطه مشترک همه این تعاریف، این است که گفتمان پدیده زبانی متأثر از اجتماع است و نوع و کیفیت آن از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت است.

#### ۴-۲- تحلیل گفتمان:

تحلیل گفتمان معادلی در برابر ( Discourse Analysis (که معادل فارسی آن سخن کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار است. یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی- معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی و بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷).

#### ۴-۳- تحلیل گفتمان انتقادی:

تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی جدید و نو از تحلیل گفتمان است، که ضرورت به کارگیری رویکردهای جامع‌تر تحلیل گفتمان را بیان می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی، از زبان‌شناسی انتقادی ناشی می‌شود. در اواخر دهه ۱۹۷۹ گروهی از زبان‌شناسان پیرو مکتب نقش‌گرای هالیدی (فاولر، گونتر کرس، هاج و ترو) در دانشگاه ایست آنجلیایی نوروچ انگلستان گرد هم آمدند. ایشان در مطالعات خود درباره کاربرد زبان، رویکرد زبان‌شناسی انتقادی را برگزیدند و در کتاب معروف خود «زبان و کنترل» (۱۹۷۹)، این اصطلاح را به کار بردند. هدف آنان از وضع این اصطلاح، آشکار کردن روابط قدرت پنهان و فرایندهای ایدئولوژیکی موجود در متون

زبانی بود. زبان‌شناسان انتقادی این حرکت را جدایی از جریان اصلی زبان‌شناسی، یعنی زبان‌شناسی صورت‌نگرای چامسکی می‌دانستند و معتقد بودند که در آن جریان و در هنگام توصیف زبان، فقط به صورت و ساخت زبان توجه می‌شود و کارکردهای اجتماعی آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد. (آقاگل‌زاده و غیثیان، ۱۳۸۶: ۳۹).

نظریه‌پردازانی چون نورمن فرکلاف، تئون ون دایک، گونتر کرس، راجر فاولر و روث وداک در زمینه معرفتی و رشد تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان گرایش نو در مطالعات زبان‌شناختی نقشی مهم داشته‌اند.

این رویکرد از زبان‌شناسی، زبان و گفتمان را در ارتباط با مسائل کلان جامعه از قبیل نهادهای اجتماعی و ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های مرتبط با مراکز قدرت سیاسی و اجتماعی به کار گرفته‌اند.

مسئله زبان، ایدئولوژی، جهان‌بینی و قدرت از مفاهیم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی است و در تحلیل متون ادبی بسیار پررنگ واقع شده‌اند. همچنانکه رونالد کارتر (Ronald Carter) نیز معتقد است، واژه ادبیات را سوای از ایدئولوژی نمی‌توان به کار برد. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۰).

مفاهیم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی، مفاهیمی از قبیل؛ زبان، قدرت، کنترل و ایدئولوژی است و از نظر روش‌شناسی حاوی مجموعه‌ای از روش‌های متداول در تحلیل گفتمان نقش‌گرای هالیدی و دستور زایشی است و در تحلیل متون ادبی بسیار پررنگ ظاهر شده‌اند.

این رویکرد از نظر روش‌شناختی، برگرفته از روش‌های موجود در رویکردهای تحلیل گفتمان است. یعنی، از روش زبان‌شناسی نقش‌گرایی نظام بنیاد هالیدی میزان قطعیت یا ساخت وجهی، گشتار را از زبان‌شناسی زایشی چامسکی و کنش‌گفتار را از سرل گرفته است. این رویکرد از فرایند مجهول‌سازی، گفتار مستقیم و غیر مستقیم، گزینش واژگان و ساخت تعدی به عنوان مقوله معنایی نه نحوی در تحلیل متون به ویژه متون مطبوعات استفاده می‌کند. در این رویکرد، گفتمان از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین تشکیل شده است. زبان در هر یک از سطوح یاد شده، دارای بار ایدئولوژیک است. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۸-۱۲۹ و ۱۳۸).

تحلیل گفتمان انتقادی، سطح تبیین را به عنوان یک بعد ضروری معرفتی می‌کند که باید به سطوح توصیفی تحلیل گفتمان اضافه گردد. تولید یا تقویت یک ایدئولوژی خاص در گفتمان از جمله جالب‌ترین موضوعات تحلیل گفتمان انتقادی است. این امر از آنجا ناشی می‌شود که گفتمان عالی‌ترین و اصلی‌ترین تجلی‌گاه تصویرسازی جهان‌بینی یک جامعه قلمداد می‌شود.

رویکردهای مختلف نسبت به تحلیل گفتمان انتقادی از جهات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند؛ ولی همگی اتفاق نظر دارند که از توصیف زبانی باید فراتر رفت تا بتوان به تبیین دست یافت و نشان داد که

نابرابری‌های اجتماعی در زبان، خلق می‌شود و در زبان منعکس می‌گردد. همچنین باید به کمک این رویکرد-ها این نابرابری‌های اجتماعی را کشف کرده و شرایط آنها را تغییر داد. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

نورمن فرکلایف هدف خود را چنین بیان می‌کند: «اول کمک به تصحیح این کم‌توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت و دوم کمک به افزایش هشیاری نسبت به اینکه چگونه زبان در حاکم شدن برخی بر برخی دیگر نقش دارد؛ زیرا هشیاری اولین قدم به سوی رهایی است» (فرکلایف، ۱۹۸۹: ۱ به نقل از آقاگل‌زاده، همان).

از نظر فرکلایف گفتمان همان زبان به منزله کنش اجتماعی است. این تعریف در مقایسه با تعریف گفتمان به معنی کاربرد، دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی است. شباهت‌شان در این است که گفتمان طوری به کار رفته است که به مفهوم قطعه‌ای از زبان به هنگام کاربرد واقعی است و تفاوت‌شان از دو جهت است: اول اینکه زبان به مثابه کنش اجتماعی با کاربرد زبان تفاوت دارد؛ زیرا در این حالت زبان با دیگر کنش‌های اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند و صرفاً به مثابه قلمروی متفاوت در نظر گرفته نمی‌شود. دوم، تصور می‌شود که جبری اجتماعی بر چنین کنش زبانی حاکم است. فرکلایف بر خلاف سنت دوگانه‌ساز زبان‌شناسی پساسوسوری که به دنبال یافتن نوعی رابطه بین زبان و اجتماعی است؛ سعی دارد این نکته را بیان کند که زبان به خودی خود همیشه عملی اجتماعی است. چنین اعمالی، اعمال فردگرایانه کاربران زبان در انزوا نیستند؛ بلکه تحت حاکمیت شرایط ایدئولوژیک و اجتماعی گسترده‌تر زبان قرار دارند. (همان).

کرس می‌گوید: تحلیل گران گفتمان انتقادی نقطه اشتراکشان در این است، که هر دو بر متون و بافت‌های آنها متمرکز می‌شوند؛ اما با این تفاوت که با عنصر انتقادی به چنین کاری دست نمی‌زنند. (کرس، ۱۹۹۴: ۸۵).

کرس چند فرضیه انتقادی مشترک مطرح می‌کند که در آن به زبان، به منزله کنش اجتماعی؛ به متون، به منزله فراورده‌های اجتماعی؛ به کاربران زبان، به گونه‌هایی که در جایگاه متمایز قرار دارند؛ و به معنا، به منزله فراورده‌های روابط سیاسی - اجتماعی نگریسته می‌شود.

چنین فرضیه‌هایی بیانگر آن است که زبان پدیده‌ای شفاف نیست؛ بلکه مبهم است و مفهوم نظام زبان مشکل‌آفرین است و تحلیل گفتمان باید نظر به قدرت اجتماعی، تاریخی و ایدئولوژی داشته باشد تا بتواند معنا را دریابد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۶-۱۴۷).



فاولر درباره نقش جهانی‌بینی‌ها بیان می‌گوید: اولاً زبانی که به کار برده می‌شود، مجسم‌کننده دیدگاهی یا نظریاتی خاص نسبت به واقعیت است. در اینجا مهم نیست که به زبان به گونه‌ای بنگریم که گویی زبان نماینده یک جهان‌بینی باشد؛ بلکه این نکته مهم است که باید بپذیریم کاربردهای مختلف زبان در درون یک زبان، بیان‌کننده برداشت‌های ویژه‌ای است. ثانیاً اینکه می‌گویند: تنوع در گونه‌های گفتمان، از عوامل اجتماعی و اقتصادی جدایی‌ناپذیر است. به همین دلیل تنوع زبانی منعکس‌کننده تفاوت‌های اجتماعی ساخت‌مندی است که خود این تنوع زبانی را ایجاد می‌کند. ثالثاً اینکه به کارگیری زبان، فقط حاصل بازتاب فرایند اجتماعی نیست؛ بلکه بخشی از فرایند اجتماعی است. (فاولر و دیگران، ۱۳۶۹: ۱۷-۳۸).

این نظریات که کاربرد زبان را فرایندی اجتماعی می‌دانند، بیان‌کننده این نکته است که بافت‌ها را نمی‌توان تنها دربرگیرنده رویدادهای گفتاری، انواع متنی و ... دانست؛ بلکه اساس اینها بر درک تفاوت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی استوار است و چون انسان موجودی اجتماعی است، ذهنیت‌های انسان و کاربرد زبان در بافت‌های فرهنگی و اجتماعی تولید می‌شود. بافت‌هایی که صورت ایدئولوژیک دارند و نابرابری‌های اجتماعی در آنها به فراوانی یافت می‌شود.

یارمحمدی درباره کاربردهای متفاوت زبانی می‌گوید: منظورشناسی - زبانشناختی عوامل زبانی را که نقش‌های معینی در آن زبان بازی می‌کند، بررسی می‌کند و منظورشناسی - جامعه‌شناسی نحوه اعمال اصول منظورشناسی را در فرهنگ‌ها و موقعیت‌های اجتماعی گوناگون در بین طبقات مختلف جامعه مورد مذاقه قرار می‌دهد. (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۷۲).

فرکلاف نیز از جریان غالب زبانشناسی به این علت که دیدگاهی غیر اجتماعی نسبت به زبان دارد و راجع به رابطه بین زبان، قدرت، و ایدئولوژی حرفی برای گفتن ندارد، انتقاد می‌کند. وی حوزه‌های دیگر مطالعه زبان چون جامعه‌شناسی زبان، کاربردشناسی و تحلیل گفتمان را مورد انتقاد قرار می‌دهد. انتقادش از جامعه‌شناسی زبان این است، که به شدت در درون اثبات‌گرایی جای دارد و می‌خواهد بر توصیف عینی واقعیت‌های اجتماعی متمرکز شود و طبقات اجتماعی فرضی را با ویژگی‌های زبان مرتبط سازد. وی از تحلیل گفتمان به این دلیل انتقاد می‌کند که اینها گفتمان را کنش اجتماعی ماهرانه‌ای می‌دانند که در خلأ اجتماعی وجود دارد و گویی که صحبت تنها به خاطر خودش است. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۰-۱۵۱).

خلاصه اینکه تحلیل گفتمان انتقادی تنها به بررسی ساختار زبان نمی‌پردازد؛ بلکه افراد و نهادهایی را که شیوه‌هایی گوناگون برای معناپردازی در متن دارند، نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. لذا در چارچوب تحلیل

گفتمان انتقادی، گفتمان‌کاوی تجزیه و تحلیل ساختارها و معناهایی است که بار ایدئولوژیک دارند. (مکاریک، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۶۱).

در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان گفت که زبان‌شناسی انتقادی از صرف تلاش برای بازیابی توصیفی معنا فراتر می‌رود و تفسیری اجتماعی و سیاسی از شیوه‌های تکون معنا به دست می‌دهد. شیوه‌هایی که اغلب به گونه‌ای پنهانی عمل می‌کنند تا به یک ایدئولوژی خاص تفوق ببخشند.

زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی به تحلیل روابط ساختاری آشکار یا پنهان سلطه، تبعیض نژادی، قدرت و کنترل و تجلی آنها علاقه‌مندند. به عبارت دیگر هدف این رویکرد بررسی انتقادی نابرابری اجتماعی است، آنگونه که در زبان به کار می‌رود. (آقاگلزاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۴۱).

در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که سه مفهوم الزاماً در تمام رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی وجود دارد: انتقاد، قدرت و ایدئولوژی که در دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی و تحلیل کلام به آنها توجه نشده است.

#### ۵- رمان و ارتباط آن با گفتمان:

اساساً در دوران مدرن آثار داستانی، جایگاه طرح مهمترین مسائل برای انسان بوده‌اند. مسائلی چون، تنهایی انسان مدرن، عدم تطابق خواست و آرزو با واقعیت، دلهره انسان از مرگ، بی‌هویتی و هزاران دغدغه دیگر است که از **دن‌کیشوت** سروانتس تا **تهوع** سارتر و **صدسال تنهایی** مارکز، مورد توجه رمان‌نویسان قرار گرفته است. این در حالی است که شاید فلسفه و علوم اجتماعی به دلیل ماهیت اکادمیک خود از توجه به چنین مسائلی بازمانده، بیشتر به بررسی جزئیات امور یا بازبینی شیوه‌های برخورد انسان اکتفا نموده است؛ حال آنکه رمان کلی‌ترین و عمیق‌ترین مسائل را واکاوی کرده، به شکلی قابل فهم به بحث گذاشته است. به عبارتی دیگر رمان، تصویری شهودی و انضمامی از مسائل زندگی افراد به آنها ارائه می‌دهد و این امکان را فراهم می‌کند که این مسائل را حتی آنگاه که برای خود او مهم و مطرح نیستند، به گونه‌ای شهودی و دقیق درک کند و می‌توان گفت غالباً قدرت رماندر این است که در اکثر اوقات، کلی‌ترین و مجردترین مسائل زندگی و جهان را برای همه به گونه‌ای دقیق طرح می‌کند. (محمودیان، ۱۳۸۲: ۸-۹).

با توجه به مطالب یادشده و از آنجا که رمان مهمترین بازتاب دهنده دیدگاه‌ها، تفکرات، شیوه زندگی و آرمان‌های عصر به حساب می‌آید، کشف دیدگاه‌های نویسنده در پردازش متن و آشکار ساختن عمیق‌ترین لایه‌های ساختار و معنای متن، که نگرش نویسنده را در بر دارد، تنها از روش تحلیل گفتمان امکان‌پذیر است.

این همسویی رمان و گفتمان و اینکه می‌توان گفت رمان ذاتاً گفتمانی است، اینگونه قابل درک است که نویسنده رمان از سر عادت و به شیوه‌ای روزمره و پیش‌پا افتاده و از سر خودبه‌خودی، نمی‌نویسد؛ بلکه نوشتن یک روایت داستانی، با پیچدگی‌ها و حجم خود، کنشی است که با برنامه‌ریزی و دقت‌نظری خاص انجام می‌گیرد. از این‌رو نویسنده رمان تنها به قصد و با آگاهی نسبت به آنچه می‌خواهد انجام دهد به کار نوشتن روی می‌آورد و از آغاز تا انجام کار خود با طرحی حساب شده و منطقی روبرو است. نویسنده با پرداخت یک صورت که همان ساختار و طرح کلی داستان است، یک هویت و ویژگی معین به رمان می‌بخشد و صورت همان کلیتی است که نه تنها اجزای داستان، که تمامی عناصر رمان را از بازی زبانی و سبک گرفته تا ماجرا و جهان‌بینی نویسنده را به یکدیگر پیوند می‌دهد و از اینجاست که ضرورت توجه به پیوند صورت و معنای متن آشکار می‌گردد. تحلیل گفتمان نیز چگونگی تبلور و شکل‌بندی معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی و برون زبانی بررسی می‌کند (لطفی‌پورساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰).

گفتمان‌کاوان، بر این باورند که متون ادبی مانند سایر متون د رخدمت ارتباطند؛ از این‌رو آن‌ها را نیز می‌توان با نگرش و روش انتقادی تحلیل نمود. تاریخ، ساختارهای اجتماعی و ایدئولوژی در نقد زبان‌شناختی، از منابع اصلی دانش به شمار می‌روند، و تحلیل‌گران تحلیل گفتمان معتقدند که تولید، فهم، خوانش و تحلیل متون، به عواملی همچون بافت خرد و کلان، اعم از مسائل فلسفی، تاریخی، سیاسی، جامعه‌شناختی، ایدئولوژیکی و گفتمان وابسته است؛ زیرا رابطه بین مردم و جامعه به صورت تصادفی نیست؛ بلکه توسط نهادهای اجتماعی و دیگر عوامل دخیل در گفتمان ساخته و تعیین می‌شود و ادبیات و متون ادبی هر دوره نیز در بافت خاصی تولید، تحلیل و تفسیر می‌گردد. در این راستا در نگاه تحلیل‌گران گفتمان ادبیات به مثابه زبان و گفتمان است. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷). به بیانی دیگر می‌توان پیوند رمان و گفتمان را اینگونه نشان داد: از آنجا که رمان بازتاب‌دهنده دیدگاه‌ها و تفکرات نویسنده است، خواننده آن را همچون یک سند، یک بیان‌نامه، یک متن دقیقاً ساخته و پرداخته شده می‌خواند و نویسنده آن را به بسان سند خلاقیت و مهارت خود، بیان‌نامه دیدگاه‌ها، افکار و نظریات خویش و گزارشی از واقعیت جهان، بدانگونه که او خود آن‌را می‌بیند، می‌نویسد (محمودیان، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۵) و از آنجا که ممکن است کشف این دیدگاه‌ها و به عبارتی جهان‌بینی پنهان در متن برای هر خواننده‌ای قابل درک نباشد، تنها از طریق تحلیل گفتمان است که به قول نورمن فرکلاف هدف آن کشف معنای متن است هنگامی که معنای متن نامشخص است و واحدهای درون گفتمان مستعداً تفاسیر متعددی (میلز، ۱۳۸۲: ۱۹۵).

از آنجا که در تحلیل گفتمان، علاوه بر عناصر لغوی و نحوی تشکیل دهنده جمله، با عناصر بافت موقعیت تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سروکار داریم، بررسی وضع سیاسی، تاریخی و فرهنگی کشور، برای شناخت گفتمانی آثار داستانی معاصر لازم به نظر می‌رسد؛ زیرا تحلیل گفتمان یعنی توجه به متن در بافت متن و موقعیت است. بافت موقعیت، محیط و فضایی است که یک اثر در آن شکل گرفته است. همچنین برای دریافت نگرش‌های نویسندگان و اینکه نویسنده در اثر خود گفتمان موجود را تأیید یا رد می‌کند، فهم تحولات سیاسی و اجتماعی که متن در تعامل با آنها شکل گرفته، ضروری است؛ زیرا رمان صرفاً اثری تخیلی نیست؛ بلکه در عین تخیل و تصویر، اساساً انعکاسی از واقعیت یا بازآفرینی آن است؛ زیرا جوهر و کیفیت ضروری آن در رابطه‌ای است که میان واقعیت و تخیل نهفته است. داستان، روایتی واقعی است که در زبان گنجانیده می‌شود و بیشتر ویژگیهای خود را از آن می‌گیرد. رمان از نظر شکل و محتوا، نسبت به سایر هنرها، به طور مستقیم‌تر از پدیده‌های اجتماعی مایه می‌گیرد. از این رو نظریه‌پردازان ادبیات معتقدند در بررسی ادبیات یک جامعه، نباید از تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن جامعه غافل ماند. (زرافا، ۱۳۶۸: ۹).

در بررسی ادبیات ایران، می‌توان با کمی تسامح گفت، رمان بیش از سایر نقاط جهان در تعامل با تغییر و تحولات دوره معاصر شکل گرفته است. اگر به شیوه‌های داستان‌نویسی در ایران توجه کنیم، متوجه می‌شویم که حتی در رمان‌هایی که به شیوه مدرن و پست مدرن در ایران نوشته شده است (برای نمونه رمان‌های جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان)، کاملاً به واقعیت موجود نظر داشته‌اند.

هر تحولی در نهادهای یک کشور، بر بخش‌های فرهنگی و ادبی آن کشور بیشتر اثر می‌گذارد. «اثر ادبی پیش از هر چیز در سنت زبانی و ادبی جای می‌گیرد و سنت زبانی و ادبی نیز به نوبه خود محاط در اقلیم فرهنگ عمومی است و با اوضاع عینی اجتماعی، و سیاسی و اقتصادی، ارتباطش با واسطه‌تر است؛ البته تمام قلمرو فعالیت‌های بشری با یکدیگر در ارتباطند. در نهایت امر می‌توان بین وجوه تولید و ادبیات نوعی رابطه برقرار کرد.» (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۱۱۳).

در تحلیل گفتمان آثار ادبی باید به ارتباط بین خالق آثار با موقعیت اجتماعی و فرهنگی که در آن زندگی می‌کند، توجه کرد؛ زیرا نویسندگان در خلأ فکری به نویسندگی نمی‌پردازند؛ حتی آنان که در انزوای شخصی به این کار مشغولند، تحت تاثیر کامل عقاید سیاسی، اقتصادی و فلسفی و مذهبی دنیایی که در آن متولد شده و رشد یافته‌اند، قرار می‌گیرند و آثار ادبی ایشان بازتاب چنین تاثیری است... اثر هنری آینه زندگی و جزء

لاینفک زمینه اجتماعی است که آفرینش اثر را عهده دار است. زمان و مکان خاص به نحو پایدار بر هنرمند، بالطبع بر حاصل تخیلات او تأثیری مشخص و ماندنی می‌گذارد. (گوردن، ۱۳۷۰: ۳۷-۴۰).  
 در این پژوهش نیز از آنجا که هدف آشکار ساختن معنای متن از دیدگاه تحلیل گفتمان است و تأکید بر ضرورت توجه به رابطه بافت متن و بافت موقعیت در تحلیل رمان است، به صورت مختصر، رمان فارسی با توجه به موقعیت تاریخی، اجتماعی-سیاسی و فرهنگی که رمان‌ها در تعامل با آن شکل گرفته‌اند، از مشروطه تا سال ۱۳۵۷ بررسی می‌شود، تا هدف این پژوهش را که بر اهمیت تحلیل رمان از این دیدگاه تأکید دارد، بیشتر نشان دهد.

۵-۱- دوره اول (۱۲۷۵-۱۲۸۵):

از اولین کوشش‌ها در این دوره، ادبیات همزمان با تحولات بنیادی اجتماعی و به خودآیی و خویشتن‌نگری ملی، شکلی نوین می‌گیرد، که مهمترین خصوصیتش انتقاد از تمامی مظاهر تحجر سیاسی و فرهنگی است.

ادبیات این دوره محصول سفرنامه‌هاست، که نقش رسانه‌ای را بازی می‌کردند و انتقال فرهنگ و ادبیات غرب را به کشور عهده دار شدند. از درون این سفرنامه‌ها بود که رمان فارسی متولد شد و آشنایی ایرانیان با صنعت نمایش و شکل نو ادبیات نمایشی به وجود آمد. (قبادی، ۱۳۸۱: ۲۹-۳۲).

گفتمان رمانواره‌ها و داستانهای این دوره، تردید و کشاکش سنت و تجدد است. **سیاحت نامه ابراهیم بیگ** در سه جلد طی سال‌های ۱۲۷۴-۱۲۸۵ و ۱۲۸۹، نتیجه واقع‌گرایانه زندگی مردم ایران، میهن‌پرستی عمیق و انتقاد از همه جوانب زندگی جامعه ایرانی است. این اثر از لحاظ گفتمانی در تقابل با حکومت عقب‌مانده قاجار بود و نوعی روحیه مبارزه و تهییج‌کننده در مردم ایجاد می‌کرد.

عبدالرحیم طالبوف نیز در کتاب **مسالک‌المحسنین** (۱۲۸۴) و **سفینه‌طالبی**، ضمن افشای سلطه انگلیس بر ایران، آرزوهای خود را درباره ترویج علم، اصلاحات اجتماعی و مذهبی و مسائل دیگر بیان می‌کند. (عابدینی، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۵). ادبیات این دوره در همه حوزه‌ها با دیدی انتقادی خواستار تحولی در روابط اجتماعی هستند و می‌خواهند نظم و قانون جانشین استبداد شود.

۵-۲- دوره دوم (۱۲۸۶-۱۳۰۴):

این دوره از لحاظ تحلیل گفتمانی مقطع پر حادثه‌ای است. دوره اعتراض است، تمام شعب ادبیات به اعتراض باز می‌گردد. رمان تاریخی در این دوره شکل می‌گیرد. در این دوره با بازگشت به دوران گذشته و قهرمانانی که حوادثی آفریده‌اند، سعی در جستجوی مفهوم هویت هستند. تجلیل از مردانی بزرگ می‌شود که در گذشته منجی ایران بودند. رمان تاریخی باب طبع جامعه‌ای است که در پی احیای شخصیت خویش است. جستجوی هویت و امنیت مهمترین عامل پیدایش رمان تاریخی ایران در این مرحله است. (عابدینی، ۱۳۸۶: ۲۸). به عبارتی دیگر نویسندگان رمانهای تاریخی در این دوره سعی داشتند با بازگشت به گذشته، دوران پر عظمت ایران باستان و مفاخر تاریخی کشور خود را به یاد آورده، امید ایجاد یک ایران بزرگ و مقتدر را، که از سلطه و نفوذ بیگانگان در امان بوده و در برابر جنگجویان و جهانگشایان نوع جدید قدرت ایستادگی و دفاع از هستی و سرنوشت خود داشته باشد، در دل خوانندگان زنده کند. (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۲۳۸).

جستجو برای یافتن هویت و عظمت، تا سال ۱۳۲۰ هم ادامه می‌یابد و خلاق‌ترین نمونه خود را در رمان **بوف‌کور** صادق هدایت می‌یابد که می‌توان وجه اشتراکش را با رمان تاریخی، همین فرار از وضع موجود است. محمدباقر خسروی رمان تاریخی **شمس و طغرا** (۱۲۸۷) را در سه جلد می‌نویسد. مراد او از نوشتن این رمان آن بود، که روحیه پهلوانی در افراد ایرانی به وجود آورد و ایشان را به مبارزه با استبداد و استقرار مشروطیت و حکومت قانون برانگیزد. (دستغیب، ۱۳۷۴: ۱۵). رمان تاریخی **عشق و سلطنت** (۱۲۹۸) شیخ موسی کبودرآهنگی نیز به همین قصد نوشته شده است. **داستان باستان** (۱۲۹۹) میرزا حسن بدیع، **مظالم ترکان خاتون** (۱۳۰۶) حیدر علی کمالی، هر کدام تلاشی در این راستاست.

رمان‌های تاریخی در این دوره زیادند، و هرکدام سعی دارند با یادآوری گذشته دل خوش کنند و با یاد عظمت‌های کهن لذت برند. (عابدینی، ۱۳۸۶: ۲۷-۵۱).

۳-۵- دوره سوم (۱۳۰۴-۱۳۲۰):

از نظرگاه تحلیل گفتمان انتقادی در این دوره ادبیات راه خود را پیدا می‌کند. تحولات ادبی در داستان-نویسی جدید با جمالزاده، هدایت و علوی؛ و در شعر با نیماوشیخ و پیروانش، به پیش رفته است. توجه به ناسیونالیسم افراطی برنامه‌ریزی شده از سوی حاکمیت نیز در ادبیات و مطبوعات اثر گذاشت. محدود کردن ادبیات مطبوعاتی و شکل‌گیری مکتب تتبع یعنی پرداختن صرف به آثار کلاسیک فارسی از دیگر خصوصیات ادبیات در این دوره است. رمان اجتماعی در این دوره با نشان دادن معایب و مفاسد زندگانی معاصر، وسیله-

ای در راه مبارزه با اشراف و زندگانی اشرافی و آلام و مصائب ملی است و در ادبیات نوین ایران تأثیر به سزایی داشت. (آرین پور، ۱۳۷۲: ۲۵۸).

در زمینه ادبیات داستانی، رمان اجتماعی در ایران با **تهران مخوف** (۱۳۰۱) مرتضی مشفق کاظمی که وصفی درباره تهران در زمان کودتای ۱۲۹۹ است، آغاز می‌شود و با **روزگار سیاه** (۱۳۰۳)، **انتقام** (۱۳۰۴) و **اسرار شب** (۱۳۰۵) عباس خلیلی و **شهرناز** (۱۳۰۶) یحیی دولت‌آبادی ادامه می‌یابد و پس از آن به دلیل فشار و اختناق دوره رضاخان، تیرگی و یأس بررمان اجتماعی چیره می‌شود. محمد مسعود (۱۲۸۰-۱۳۲۶) در رمان-های سه‌گانه‌اش، **تفریحات شب** (۱۳۱۱)، **در تلاش معاش** (۱۳۱۲) و **اشرف مخلوقات** (۱۳۱۳)، موفق شد طرحی انتقادی را از سیمای زندگانی تحصیل‌کردگان، با زبانی بی‌پروا ترسیم کند. مسعود وضع جامعه‌ای را گزارش می‌کند که جوانانش زیر فشار استبدادی سهمگین، تنها و ترسان به بیماری و خودکشی گرایش می‌یابند. (عابدینی، ۱۳۸۶: ۶۶). این تیرگی و یأس در ادبیات این دوره باعث گرایش نویسندگان به مکتب رمانتیک و آشکار کردن زشتی‌ها در ادبیات می‌شود. محمد حجازی در رمان‌های **زیبا** (۱۳۱۱)، **هما** و **پریچهر** وضع بد زنان را در آن دوره نشان می‌دهد. ادبیات رمانتیک این دوره، چاره‌نابسامانی‌های اجتماع را در اصلاح فرد از راه احساسات بشردوستانه و اخلاق درست می‌دانند.

۵-۴- دوره چهارم (۱۳۲۰-۱۳۳۲):

در بررسی ادبیات داستانی این دوره چند گرایش مشهود است این دوره پایان دوره اختناق و سانسور است. پیدایش احزاب سیاسی حاصل شرایط پس از استبداد است. پیدایش حزب توده با پیروی از مسلک سوسیالیستی همسایه شمالی، مرکز توجه روشنفکران است. باورهای این مسلک را ابتدا بزرگ علوی وارد ادبیات داستانی کرد. در سال ۱۳۲۵ نخستین کنگره نویسندگان ایران با همکاری خانه وکس شوروی برگزار می‌گردد که تقریباً تمام روشنفکران و نویسندگان در آن حضور داشتند. این حرکت جریان‌ی به نام رئالیسم اجتماعی در ادبیات را تثبیت کرد که مهمترین گرایش رمان فارسی در این دوره است. در این دوره ترجمه آثار روسی نیز شدت می‌گیرد. مترجمانی چون بزرگ علوی، کریم کشاورز، رضا آذرخشی، کاظم انصاری به ترجمه آثار روسی روی آوردند.

مهمترین آثاری که به شیوه رئالیسم اجتماعی در این دوره به انتقاد از نظام استبدادی و ضرورت مبارزات مردمی با آن می‌پردازد، عبارتند از: **حاجی آقا** (۱۳۲۴) نوشته صادق هدایت، **دختر رعیت** (۱۳۳۱) نوشته محمود اعتمادزاده (به آذین)، **چشمهایش** (۱۳۳۱) نوشته بزرگ علوی.

در این دوره گرایش به رمان‌های تاریخی و اجتماعی که در واقع ادامه دوره قبل است، دیده می‌شود. این دسته از رمان‌ها در غیاب سانسور از سویی و گسترش امکانات نشر از سوی دیگر در این دوره، انتشار چشمگیری دارند. از جمله رمان‌های تاریخی در این دوره، می‌توان به: **ده نفر قزلباش** (۱۳۲۰) از حسین مسرور، **عشق و پادشاهی** (۱۳۲۵) از اقبال یغمایی، **شراره‌های خاموش شده** (۱۳۲۸) از شاه حسینی، **قهرمان ایرانشهر** (۱۳۳۲) از شین پرتو اشاره کرد.

رمان‌های اجتماعی نیز چون رمان‌های تاریخی در این دوره به شکل پاورقی‌نشریات و به منظور سرگرم ساختن خوانندگان است که با گزارش سطحی وقایع اجتماعی، خیال‌انگیزی‌ها و مضامین یأس و ناامیدی، به شهوات و آرزوهای ارضا نشده می‌پردازند.

از جمله این رمان‌ها می‌توان به: **معشوقه و مست** (۱۳۲۸) از مصطفی رحیمی، **شب‌های تهران** (۱۳۲۵) از محمد علی خلیلی، **ولگردان تهران** (۱۳۲۳) از عبدالله حکیم عراقی، **آفت** (۱۳۳۰) از حسینقلی مستعان، **فتنه** (۱۳۲۴) از علی دشتی، **نیمه راه بهشت** (۱۳۳۲) از سعید نفیسی، اشاره کرد.

۵-۵- دوره پنجم (۱۳۳۲-۱۳۴۲):

ادبیات این دوره پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اسیر سانسور و اختناق رژیم شد. نویسندگان یا گرفتار حبس و تبعید یا به اجبار خانه‌نشین می‌شوند. رمان فارسی در سال‌های پس از کودتا به طور عمده به صورت پاورقی نویسی‌های سرگرم‌کننده و رمانتیسیم بدبینانه و منفی ادامه می‌یابد. پاورقی نویسان معروف این دوره حسینقلی مستعان، حسین مسرور و ابراهیم مدرسی است.

نویسندگان مأیوس و سرخورده از شکست در مقابل کودتاگران به مسائل کلی و ابدی بشر چون عشق و مرگ و اضطراب و پوچی در اشکال اسطوره‌ای پناه می‌برند یا با توسل به اشکال تمثیلی و سمبولیسم به برخی وقایع تاریخ معاصر اشاره دارند. جلال آل احمد در رمان **تمثیلی سرگذشت کندوها** (۱۳۳۲) به شکست جبهه ملی و پیروزی شرکت‌های نفتی اشاره می‌کند. زنبورهای عسل در این رمان تمثیل و نماد ملت ایران است که استعمارگران شیره جانشان را به یغما برده‌اند و عاقبت زنبورها چاره کار را در کوچ دسته



جمعی می‌بینند. در این رمان آل احمد آرزومند انقلابی همگانی است تا موجب آزادی و رهایی ملت از چنگال استعمار شود.

در **نون و القلم** (۱۳۴۰) به شکلی تمثیلی به علل شکست نهضت‌های چپ‌گرای ایران بعد از جنگ جهانی دوم به شکل استعاری می‌پردازد و در آن رفتارهای حزب توده را تحلیل می‌کند.

تقی مدرسی در **یکلیا و تنهایی او** بر اساس اسطوره یهوه و شیطان اقدام می‌کند. در اواخر دهه ۱۳۳۰ علی محمد افغانی در رمان **شوهر آهو خانم** (۱۳۴۰) به طرح موضوع خانوادگی در سال‌های پیش از ۱۳۲۰ می‌پردازد و برای اولین بار در ادبیات داستانی فارسی، در این رمان است که یک زن نقش آفرینی می‌کند و می‌تواند خانه‌اش را در نبود شوهرش نجات دهد تا قبل از این رمان نقش زن در ادبیات نقشی منفعل بود، پس از این رمان است که در رمان سووشون زن به میدان اجتماعی و سیاست کشیده می‌شود.

۵-۶- دوره ششم (۱۳۴۲-۱۳۵۷):

محققان سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ را در ادبیات داستانی دوره اعتراض می‌نامند. اگر چه این اعتراض قبل از این دوره هم در آثار ادبی نمایان بود، سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ با تشکیل کانون نویسندگان به رهبری آل احمد و غلامحسین ساعدی و جمعی دیگر از نویسندگان به منظور رویارویی با سیاست‌های رژیم پهلوی و دفاع از آزادی بیان و قلم بود. (عابدینی، ۱۳۸۶: ۴۱۶).

شعار غالب نویسندگان در این دوره مبارزه با شبه مدرنیزاسیون رژیم پهلوی «بازگشت به خویشتن» است، که آل احمد از نظریه پردازان آن است. (همانجا).

گروهی از نویسندگان با انتقاد از سیاست‌های اقتصادی رژیم پهلوی، تمدن شهری و سرخوردگی روشنفکران و عصیان آنان به شیوه رئالیسم اجتماعی داستان‌هایی آفریدند. از مهمترین این رمان‌ها می‌توان به: **نفرین زمین** از آل احمد، که بیانیه‌ای بر ضد اصطلاحات ارضی رژیم است، اشاره کرد. ادامه کار آل احمد در آثار دولت آبادی از جمله **سفر و آوسنه باباسبحان** (۱۳۴۳) دیده می‌شود. **پای غول** (۱۳۵۵) نوشته ناصر شاهین پر، راجع به عوارض سوء ورود ماشین در بافت کشاورزی است. **شبچراغ** (۱۳۵۵) نوشته جمال میر صادقی در توصیف خود باختگی روشنفکران است.

گروه سوم عده‌ای هستند که معتقدند رمان نویس بالاتر از آن است که شارح و ناقل یک حادثه‌ای باشند که خواه اجتماعی باشد یا عشقی و ...؛ بلکه می‌کوشد از بیان عینی و توصیفی دنیای برون بپرهیزد و به دنیای

درونی خود پردازد و به شیوه گفتگوی درونی یا مشاهده بیرونی مستقیماً در ذهن کسی که در موقعیت مشخصی است، جای گیرد و جهان را از زاویه دید و درک بی واسطه او ببیند. از این دسته رمان‌ها می‌توان **شازده احتجاب** (۱۳۴۷) نوشته هوشنگ گلشیری در توصیف زوال اشرافیت زمیندار، **بره گمشده راعی** (۱۳۵۶) در توصیف سرخوردگی و بی‌پناهی یک روشنفکر، **خواب زمستانی** (۱۳۵۲ ش) از گلی ترقی در توصیف پیری و مرگ و دیگر رمان‌هایی از این دست اشاره کرد که سعی در بیان حوادث به شیوه‌ای مدرن در سبک داستان نویسی دارند.

رمانهای تاریخی نوشته شده در این دوره به گذشته‌های دور نمی‌پردازد؛ بلکه با مورد بررسی قرار دادن تاریخ معاصر، سعی در روشن کردن راه آینده برای نسل امروز داشتند که برجسته‌ترین این رمان‌ها عبارتست از: **همسایه‌ها** از احمد محمود (۱۳۵۳)، **دایی جان ناپلئون** (۱۳۵۱) نوشته ایرج پزشک‌زاد، که تحولات سال‌های ۱۳۲۰ را در قالب داستانی آورده است، **تنگسیر** (۱۳۴۲) از صادق چوبک که بازسازی واقعه‌ای تاریخی و حماسی در جنوب است، **اتهام** نوشته مصطفی رحیمی، اعتراض نویسنده نسبت به انحطاط سیاسی و اخلاقی سال‌های پس از کودتا است. **سوشون** (۱۳۴۸ ش) نوشته سیمین دانشور که تصویری داستانی از تاریخ معاصر در جنگ جهانی دوم ارائه می‌دهد و علاوه بر معنای ظاهری خود به صورتی رمزی اشاره به وضع کشور در دهه چهل دارد، دیگر رمانهای او: **جزیره سرگردانی** (۱۳۷۲) و **ساربان سرگردان** (۱۳۸۰) نیز اگرچه، در این دوره نوشته نشده‌اند، از لحاظ موقعیت بافت تاریخی در این دوره قرار می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری:

تحلیل گفتمان ریشه در نظریات جدید نقد ادبی دارد؛ ولی برخلاف رویکردهای جدید نقد ادبی که تنها بر یک جنبه صورت یا معنای متن توجه دارند، بر هر دو جنبه صورت و معنای متن به عنوان دو بافت تأثیرگذار بر هم تکیه می‌کند و در تحلیل متن بر توجه به هر دو جنبه مذکور تأکید می‌کند. روش تحلیل گفتمان، روشی کارآمد در تبیین و کشف دیدگاه‌های ایدئولوژیک نویسندگان و دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی آنان است. رمان به دلیل ماهیت اجتماعی که دارد و از این دیدگاه که افکار و جهان‌بینی نویسنده را در بر دارد، معنای پنهانی دارد و می‌توان رمان را ذاتاً پدیده‌ای گفتمانی نامید، که تحلیل گفتمان بهترین روش در کشف معنای آن است. ظرفیت ساختاری پیچیده در رمان به حدی است که بیش از هر قالب و انواع دیگر ادبی، می‌تواند محاکات کند و در واقع مسائل و واقعیت‌های جامعه را بازآفرینی و بازسازی کند. تحلیل گفتمان رمان، ما را در کشف و شناخت معتبرتر، افکار، نهادها، سنت‌ها و آیین‌ها یاری می‌کند.

## منابع:

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۲)؛ *از صبا تا نیما*؛ چاپ سوم؛ تهران: انتشارات زوار.
- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵)؛ *تحلیل گفتمان انتقادی*، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ----- (۱۳۸۶)؛ «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»؛ *فصلنامه ادب پژوهی*؛ شماره اول؛ صص: ۱۷- ۲۷.
- ----- (۱۳۸۶)؛ «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»؛ *فصلنامه ادب پژوهی*؛ شماره اول؛ بهار.
- ----- و مریم سادات غیاثیان (۱۳۸۶)؛ «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»؛ *مجله زبان و زبانشناسی*؛ سال سوم؛ شماره اول؛ پیاپی پنجم.
- ایگلتون، تری (۱۳۸۳)؛ *نظریه ادبی*؛ ترجمه عباس منخبر؛ چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- بهرام پور، شعبانعلی (۱۳۷۹)؛ «درآمدی بر تحلیل گفتمان»؛ *مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی*؛ به اهتمام محمد رضا تاجیک؛ چاپ اول؛ تهران: فرهنگ گفتمان.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۴)؛ «نگاهی به رمان فارسی»؛ *مجموعه مقالات نخستین سمینار بررسی مسائل رمان در ایران*؛ چاپ اول؛ تهران: سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- زرافا، میشل (۱۳۶۸)؛ *ادبیات داستانی (رمان و واقعیت اجتماعی)*؛ ترجمه نسرین پروینی؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات کتابفروشی فروغی.
- عابدینی، حسن (۱۳۸۶)؛ *صدسال داستان نویسی در ایران*؛ چاپ چهارم؛ دوره چهارم جلدی؛ تهران: نشر چشمه.
- فاولر، راجر و دیگران (۱۳۶۹)؛ *زبانشناسی و نقد ادبی*؛ ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده؛ چاپ اول؛ تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)؛ *تحلیل انتقادی گفتمان*، مترجمان فاطمه شایسته پیران و دیگران، ویراستاران محمد نبوی و مهران مهاجر، چاپ اول، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- فروغی، سید عباس‌علی (۱۳۸۴)؛ «ادبیات داستانی و اندیشه‌گری»؛ پژوهش و حوزه؛ شماره ۲۳ و ۲۴؛ صص ۱۴۳-۱۵۵.
- قبادی، حسینعلی (۱۳۸۱)؛ **بنیادهای نثر معاصر فارسی**؛ چاپ اول؛ تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- کسروی، احمد (۱۳۵۹)؛ **تاریخ مشروطه**؛ چاپ پانزدهم؛ تهران: انتشارات امیرکبیر.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱)؛ «درآمدی به سخن‌کاوی»؛ مجلهٔ زبان‌شناسی؛ سال نهم، شمارهٔ اول.
- مقدادی، بهرام (۱۳۷۸)؛ **فرهنگ اصطلاحات ادبی از افلاطون تا عصر حاضر**؛ تهران: فکر روز.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۶)؛ **دانش‌نامهٔ نظریه‌های ادبی معاصر**؛ ترجمهٔ مه‌ران مهاجر و محمدنبوی؛ چاپ دوم؛ تهران: انتشارات آگه.
- مک‌دانل، دایان (۱۳۸۰)؛ **مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان**؛ ترجمه حسینعلی نوذری؛ تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- میلز، سارا (۱۳۸۲)؛ **گفتمان**؛ ترجمه فتاح محمدی؛ چاپ اول؛ زنجان: نشر هزاره سوم.
- ولک، رنه و اوستین وارن (۱۳۷۳)؛ **نظریه ادبیات**؛ ترجمه ضیا موحد و پرویز مهاجر؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)؛ **گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی**؛ چاپ اول؛ تهران: هرمس.
- Meinhof & K.H.; **Text and Gramer as explanation**; in U(۱۹۹۴)Kress, G -
- Richardson of Poyerty in Britain; London; longman
- .; **Language and Power**; London; Longman(۱۹۸۹) -----
- **critical discourse analysis**, singapore, longman : (۱۹۹۵)Fairclough, norman -